

# فرهنگ و تاریخ

○ آیین مبارزه در اندیشه حضرت امام خمینی (ره)

○ قیام ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ قم

○ جاذبه های ژئوپولیتیک ایران، رفتار روسیه تزاری

و اتحاد جماهیر شوروی

○ کلیات تاریخ از عهد باستان تا دوران جدید (۱)

○ حیدرعلی خان، بنیانگذار سلطنت در جنوب هند

○ طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی (۲)

## آیین مبارزه در اندیشه حضرت امام خمینی (ره)

محمدحسین جمشیدی

اسلام مکتب تحرك است و قرآن کریم کتاب تحرك، تحرك از طبیعت به غیب، تحرك از مادیت به معنویت، تحرك در راه عدالت، - تحرك در برقراری حکومت عدل.

امام خمینی ۱۳۵۸/۴/۵

خدای تبارک و تعالی می فرماید که یک موعظه من فقط دارم فقط یک موعظه و او این است که قیام کنید، نهضت کنید برای خدا.

امام خمینی ۱۳۵۷/۱۱/۲۸

مبارزه - به معنی ایستادگی، قیام و مقاومت و تلاش پیگیر با تمام توان و نیرو برای عبور از تنگناها و گذرگاههای حیات و رسیدن به انسانیت انسانی و کمال قرب حق - ضرورتی است اجتناب ناپذیر. ضرورتی که با وجود، حیات و زندگانی و کلیت و تمامیت هر فرد و جامعه پیوندی ناگسستنی دارد، که هیچ فرد و جامعه ای را در تکاپوی عرصه حیات و میدان وجود از آن گریزی نیست.

زندگی و حیات آدمی - در تمام ابعاد و جودی اش، مبارزه ای است کلی، پیچیده و دارای ابعاد متعدد با هدفی اساسی یعنی آزادی و رهایی انسان - فرد و جامعه - و رسیدن او به کمال ممکن. انسان، شدن است و صیوررت، و این شدن و صیوررت تنها و تنها - برای انسان واقعی - در قالب «مبارزه» صورت می گیرد. بدون مبارزه انسان هیچ است. یا چون خسی بر دریای طوفان زده و سهمگین و تنها در مبارزه است که انسانیت انسانی بارز می گردد و قوا و استعدادهای او بروز می کند تا به کمال حقیقی و ملاقات پروردگار نائل می آید:

«يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَافِيهِ.»

ای انسان تو با کوشش و مبارزه مستمر و مؤثر سرانجام نائل به ملاقات پروردگارت خواهی شد<sup>۱</sup>.

شهید سید محمد باقر صدر در بیان توضیح این آیه و مفهوم «کدح» می نویسد:

کدح، یعنی یک حرکت و بسیج پیگیر، آمیخته با رنج و درد و سوز و گداز (السير المستمر بالمعاناة وبالجهد وبالمجاهدة) ... یک حرکت صعودی است، تکامل و ارتقا است...<sup>۲</sup>

این آیه «یا ایها الانسان...» از یک حقیقت موجود و یک واقعیت خارجی پایداری سخن می گوید.<sup>۳</sup>

بنابراین کدح و مبارزه برای رسیدن به کمال قرب الهی، امری انسانی است. امری که با انسانیت انسان گره خورده است و ذاتاً در او وجود دارد و بیرون از او نیست. امام خمینی مبارزه را امری ضروری و قطعی و بدیهی می داند، زیرا در دنیا، حق و باطل کفر و شرک و توحید، ظلم و عدل و جود دارد و مادامی که در برابر حق، باطل و در برابر توحید، کفر و شرک و در برابر عدل، ظلم وجود دارد، مبارزه امری بدیهی و اجتناب ناپذیر است:

«تأشرك و كفر هست، مبارزه هست، تا مبارزه هست، ما هستیم...»<sup>۴</sup>

و در یکی از غزلهای عارفانه خود می سراید:

سرنهم بر قلمش بوسه زنان تا دم مرگ      مست تا صبح قیامت زسبوش باشم  
همچو پروانه بسوزم بر شمعش همه عمر      محو چون می زده در روی نکوش باشم<sup>۵</sup>

موضوع مبارزه و تلاش و صیوررت دائمی، نه خاص نوع انسان، که امری وجودی و جهانی است و سرتاسر ذرات هستی در حال مبارزه و جنگ دائمی و مستمر هستند. به زبان مولوی:

این جهان جنگ است چون کل بنگری      ذره ذره همچو دین یا کافری  
جنگ فعلی، جنگ قبلی، جنگ قول      در میان جزوه ها حربی است هول

\*\*\*

یکی از شخصیت‌های گرانقدر و با عظمت جهان معاصر که تمام ابعاد وجودش -

اندیشه تا عمل - مبارزه و پیکار بود و با بینش انقلابی و حرکت عظیم خود و مبارزه و الایش، تحولی بس عظیم و شگرف در جهان معاصر بوجود آورد، امام خمینی (ره) است. او با نفوذ در قلبها و حکومت بر دلها و تحت تأثیر قرار دادن آنها و انگیزش شور و ایمان انسانها، امتی را از خواب غفلت بیدار ساخته، به مبارزه ای دائمی و مستمر فراخواند. مبارزه ای که قبل از همه سرتاسر وجود خودش را فرا گرفته بود، و شامل تمام ابعاد زندگی اش می شد. او یک مبارز به معنای واقعی کلمه بود و مبارزه آیین او. مبارزی که نشریه تایمز لندن در مورد او نگاشت:

خمینی، مردی بود که توده ها را با کلام خود مسحور می کرد. وی به زبان مردم عادی سخن می گفت و به طرفداران فقیر و محروم اعتماد به نفس می بخشید. این احساس، آنها را قادر ساخت تا هر کسی را که سر راهشان بایستد، با مشت از بین ببرند. وی به مردم نشان داد که حتی می توان در برابر قدرتهای مثل آمریکا ایستاد و نهراسید.<sup>۶</sup>

با توجه به اینکه حیات در زندگانی افراد و جوامع بشری بستگی تام و تمام به مبارزه و مجاهده دارد، و نیز اینکه برجسته ترین بُعد وجودی امام خمینی، بُعد مبارزه ای او - چه در جهت خودسازی و چه در جهت دیگرسازی، چه در میدان فردی و چه در میدان اجتماعی، چه در عرصه عرفان و اجتهاد و چه در عرصه سیاست و رهبری - هست. از مبارزه ای خالص و الهی شروع می شود و با مبارزه نیز ختم می گردد و وجودش «کدح» و «صبرورت» و «تحول» و «مجاهده» و «مبارزه» در میادین و صحنه های متعدد زندگانی است و از این لحاظ اسوه و الگویی برتر محسوب می گردد. در این مختصر، در پی آئیم که اشارتی به «آیین مبارزه» در اندیشه توانا و پویای حضرتش داشته باشیم.

## امام خمینی و مبارزه

مبارزه در کلام و رفتار امام، «قیام» است و «خیزش»، «جهاد» است و «مبارزه»، «تزکیه»، است و «سلوک»، «جنگ» است و «رهايي» و حاصل آن «آزادی»، آزادی از بتهای درونی و برونی، آزادسازی خود در عرصه جان و اجتماع و ازدادسازی اجتماع در عرصه وجود اجتماعی و جهانی و گام اولش در هر بعد «قیام لله» است.

در تفسیر سوره حمد می فرماید:

اول مرتبه قیام است: قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله. \*، اصحاب سیرم این را منزل اول دانسته اند. شاید هم مقدمه باشد و منزل نباشد. در «منازل السائرین»، این را منزل او دانسته، لکن ممکن است که این اصلاً مقدمه باشد. و منزل بعد باشد... اینکه قیام کنید برای خدا، و همه چیز و همه مسائل از اینجا شروع می شود که قیام لله باشد.<sup>۷</sup>

همین موضوع - سالها قبل از بیان تفسیر سوره حمد - در تاریخی ترین سند مبارزاتی امام خمینی و سالها قبل از شروع قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دیده می شود. امام در آن سند که مربوط به تاریخ یازدهم جمادی الاول ۱۳۶۳ ه. ق. است، بعد از ذکر آیه بالا می نویسد:

... خدای تعالی در این کلام شریف، از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده و بهترین موعظه هایی است که خدای عالم از میان تمام مواضع انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده؛ این کلمه تنها راه اصلاح در جهان است. قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلت رسانده و از جلوه های گوناگون عالم طبیعت رهانده.

خلیل آسا در علم الیقین زن ندای لاحب الافلین زن...<sup>۸</sup>

## مفهوم مبارزه

مبارزه در لغت، مصدر عربی از باب مفاعله است و به معنای آشکار شدن، بیرون آمدن، برخاستن و قیام کردن می باشد. در لغت نامه دهخدا نیز به معانی زیر آمده است: از میان صف بیرون آمدن برای حرب، یا کسی به جنگ بیرون شدن، مبارزه کردن، کارزار کردن، جنگیدن، محاربه و...<sup>۹</sup>

در اینجا و نیز در کاربرد مرسوم مبارزه به معنای قیام، برخاستن، رزم، جهاد و مجاهده به مفهوم عام و در تمام ابعاد حیات بشری و در کلیت صحنه ها و میدانی زندگی انسانی است. از چنین دیدگاهی «تزکیه نفس»، مبارزه و قیام است، بیداری، تنبه و توبه، مبارزه و قیام است، نهضت و حرکت انقلابی اجتماعی و سیاسی، مبارزه و قیام است. جنگ و قتال با دشمنان، برخورد با جهل و گمراهی و... نیز همه و همه

\* قرآن کریم، سوره سبأ، آیه ۴۶.

مصادیق مبارزه و قیام هستند.

از نظر امام خمینی نیز مبارزه و قیام، مفهومی است عام که از تنبه و بیداری شروع می‌شود و تا رسیدن به کمال انسانیت انسان و قرب حق استمرار می‌یابد. بر این اساس تمام حالات انسان، مبارزه و قیام و خیزش است و اگر جز این باشد نابود است:

... شما موظفید خود را بسازید، انسان کامل شوید و در مقابل نقشه‌های شوم دشمنان اسلام ایستادگی کنید، اگر منظم و مجهز نگردید و به مقاومت و مبارزه علیه ضرباتی که هر روز بر پیکر اسلام وارد می‌آید نپردازید، هم خود از بین می‌روید و هم احکام و قوانین اسلام را فانی می‌سازید... حیثیت شما حیثیت اسلام و حیثیت ممالک اسلامی بسته به این است که ایستادگی و مقاومت ننمایید.<sup>۱۰</sup>

و در جای دیگر می‌فرماید:

جنگ ما، جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما، جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما، جنگ ایمان و رذالت بود، و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.<sup>۱۱</sup>

بنابراین از دیدگاه حضرت امام، مبارزه و قیام ضروری حیات زندگانی فردی و اجتماعی و تمام ابعاد وجودی فرد و جامعه را دربر می‌گیرد و لحظه‌ای غفلت و دست کشیدن از مبارزه به معنای نابودی و فنا شدن انسان و جامعه انسانی است. اگر این حرکت و صیوروت - مبارزه و قیام - آتی تبدیل به توقف و ایست گردد، آنگاه زندگانی انسان از حرکت ایستاده است و مرگ انسان فرا رسیده است هر چند در ظاهر امر زنده باشد، اما مرده متحرکی بیش نیست و امام خود از این نظر الگو و اسوه‌ای نیکو و سزوار اطاعت و پیروی است.

بعلاوه از دیدگاه امام، مبارزه، مبارزه است. خواه این مبارزه در میدان نفس و در جهت تزکیه و رهایی انسان از خود و رسیدن به «کمال انقطاع» صورت گیرد و انسان واقعاً انسان شود، و به کمال انسانیت خود دست یابد<sup>۱۲</sup> و خواه این مبارزه در میدان اجتماع و برای نجات و رهایی و آزادی بندگان خدا و تحقق کلمه الله و احقاق حق و ابطال باطل صورت گیرد. خواه این مبارزه، تلاش در برابر جهل و نادانی باشد، خواه کوشش در برابر ظلمت و گمراهی. اینها همه، مصادیق و جلوه‌های مبارزه هستند. لذا در نظر حضرتش مبارزه مفهومی عام و کلی دارد. کلیتی که تمام ابعاد وجودی فرد و

جامعه را در بر می گیرد، و به همین جهت ما در این مختصر از «آیین مبارزه» سخن می گوئیم که بیانگر شمای کلی و نظری و چارچوبی منظم و منطقی از مفهوم و ویژگیها و ابعاد گوناگون مبارزه است.

به زعم ما، «مبارزه» در اندیشه امام خمینی، نه یک روش، خط مشی یا حتی استراتژی، بلکه برتر و فراگیرتر از همه اینها یک «آیین» و یک «نظریه بنیانی و اساسی» است که مبتنی بر جهان نگری و بینش الهی حضرت امام می باشد.

### مسئولیت و مبارزه

انسان به دلیل دارا بودن عقل و شعور و قدرت انتخاب و اراده، از آزادی برخوردار است. اما عقل و آزادی او را مسئول و مکلف ساخته است. زیرا او امانتداری است که باید امانت را به سز منزل مقصود برساند و مبارزه او طریقی است برای تحقق این امانت داری و اجرای خلافت الهی در زمین. بنابراین انسان چون موجودی عاقل و آزاد (مختار) است، نمی تواند به حال خود رها شود، لذا مسئول است؛ مسئول در برابر عقل و اراده اش، مسئول در برابر دارا بودن مقام خلافت و جانشینی خدا در زمین. خلافت انسان، دو بعد دارد: یک بعد آن بیانگر لیاقت و برتری این موجود زمینی است و بعد دیگرش نشان دهنده مسئولیت او. به همین جهت است که تمام هستی طبیعی (آسمانها، زمین، کوهها) از پذیرش چنین امانتی سر باز زدند ولی انسان آن را پذیرفت:

«اناعرضنا الامانة على السماوات والارض فابین ان یحملنها واشفقن منها و

حملها الانسان...»<sup>۱۳</sup>

و به بیان شهید محمدباقر صدر:

رشد حقیقی در منطق اسلام، وقتی حاصل می شود که انسان خلیفه الله بتواند شبیه از رشاهای را که در وجود خداوند متعال متجلی است، در وجود خود به عنوان خلیفه او (یعنی) کسی که سرپرستی جهان هستی به او واگذار شده، تحقق بخشد... جامعه ای که تحمل مسئولیت خلافت را می کند، موظف است همه شرایط لازم را برای این حرکت دائم به سوی هدف مطلق فراهم سازد...<sup>۱۴</sup>

از دید حضرت امام نیز مبارزه و قیام یک تکلیف، و مسئولیت است. تکلیف و مسئولیت امانت الهی است بر دوش تک تک افراد جامعه و مهم ادا و تحقق این وظیفه،

تکلیف و مسئولیت است. تکلیف باید تحقق یابد؛ به هر بهایی حتی کشته شدن و شکست خوردن؛ و آنچه اهمیت دارد نتیجه ادای تکلیف نیست بلکه خود نفس تکلیف و مسئولیت است:

تکالیف الهیه امانات حق هستند.

نباید نگران باشیم که مبدا شکست بخوریم، باید نگران باشیم که مبدا به تکلیف عمل نکنیم.

«اگر ما به تکلیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین فرموده است عمل نکنیم، با کی از این نداریم که شکست بخوریم.

همه ما، مأمور به ادای تکلیف و وظیفه ایم، نه مأمور به نتیجه.<sup>۱۵</sup>

در جایی دیگر تکالیف و مسئولیتها را مأموریت از جانب خدا و الطاف الهی می داند که غفلت از آنها باعث نابودی فرد و جامعه است این مسئولیتها و تکالیف، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، الطاف الهی، برای بندگان او هستند. قیام و مبارزه برای تحقق این مسئولیتها، امری ضروری است که بشر موظف به رعایت آن و مواظبت از آن می باشد. امام در بیانات خود پس از شهادت حاج آقامصطفی خمینی می فرماید:

... تا در اینجا [دنیا] هستیم، مأموریتها از طرف خدای تبارک و تعالی داریم و باید قیام کنیم به این مأموریت ها، باید غفلت نکنیم از تکالیف الهیه، تمام تکالیف الهیه الطافی است الهی و ما خیال می کنیم تکالیفی است، همه اش الطاف است، چه تکالیف فردی که برای هر نفری هست ... و چه تکالیف اجتماعی که ما مکلف هستیم، در اجتماع تکالیفی داریم و باید به آن تکالیف عمل کنیم برای تنظیم این اجتماع...<sup>۱۶</sup>

یکی از این تکالیف و مسئولیتها، مبارزه و قیام برای تشکیل حکومت اسلامی و تحقق عدل الهی در جامعه و رهایی جامعه از استبداد داخلی و استعمار خارجی است:

ما موظفیم برای تشکیل حکومت اسلامی جدیت کنیم ... برانداختن طاغوت یعنی قدرتهای سیاسی ناروایی که در سراسر وطن اسلامی برقرار است و وظیفه ما است...<sup>۱۷</sup>

نکته بعدی این است که این وظایف و مسئولیتها، امری نیست که خاص فرد،



طبقه، گروه یا قوم ویژه‌ای باشد؛ بلکه امری همگانی و همه‌جایی است. تکلیف و مسئولیت امری است که با انسان هم‌زاد و قرین است و از او جداشدنی نیست. اما نکته مهم اینجاست که هر اندازه آگاهی و دانش افراد بیشتر شود و به امور واقف‌تر گردند، مسئولیت و تکالیف آنها سنگین‌تر و بیشتر می‌گردد. در چنین دیدگاهی، یک کارگر بی‌سواد و یک استاد دانشگاه هر دو مسئول و مکلفند؛ مسئول و مکلف به مبارزه و قیام مستمر و فراگیر. ولی مسئولیت و تکلیف دومی به مراتب سنگین‌تر از اولی است. این است که امام می‌فرماید:

... وظایف اسلامی، وظیفه ما تنها نیست، وظیفه تمام طبقات است، وظیفه مراجع اسلام است، وظیفه علمای اسلام است ... وظیفه تمام ملت است ...  
وظیفه تمام ممالک اسلامی و ملل اسلام است.<sup>۱۸</sup>

و در جایی دیگر، در مورد مسئولیت آگاهان جامعه و سنگین‌تر بودن وظیفه مبارزاتی آنان چنین می‌گوید:

آن قدر مسئولیتی که برعهده آقایان اهل علم است، برعهده دیگران نیست ...  
در این مقابله مابین اسلام و کفر، همه ملت مسئولند، همه مسئولند لکن روحانیت بیشتر مسئول است.<sup>۱۹</sup>

## ضرورت مبارزه

یکی از برجسته‌ترین نگرشهای امام خمینی در زمینه موضوع مبارزه، «ضرورت» است. بدین معنا که قیام، بیداری و مبارزه «امری ضروری» است. امر ضروری، امری است که تحقق آن الزامی و قطعی است، و در زمینه مبارزه، ضروری بودنش به حیات و زندگانی انسان و جامعه برمی‌گردد. برای مثال، نفس کشیدن برای آدمی امری ضروری است زیرا اگر نباشد، نه ممد حیات است و نه مفرح ذات، به بیان سعدی:

هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیاتست و چون برمی‌آید مفرح ذات.<sup>۲۰</sup>

مبارزه نیز برای انسان چون تنفس، ممد حیات و زندگانی و مفرح روح و جان آدمی است. مبارزه برای آدمی چونان آب برای ماهیان است و بدون آن هلاکت و بیچارگی در حیات و در ماندگی و شقاوت بعد از ممات است. حدیث معروف نبوی که می‌فرماید:

الدنيا مزرعة الآخرة<sup>۲۱</sup>

بیانگر این موضوع است که این سرا، سرای کوشش و تلاش و مبارزه است و برای انسان این تلاش و کوشش امری حیاتی و غیر قابل اجتناب است. اگر به مبارزه نکوشی، دنیا و مافیها تو را به مبارزه فرا می خواند. آنگاه است که به اجبار تن به مبارزه می دهی و امکان موفقیت و کامیابی برای تو کمتر خواهد بود. بنابراین نه تنها از کوشش، تلاش و مبارزه، گریزی نیست بلکه ضروری حیات حقیقی تو در آن است که خود قدم در راه مبارزه و قیام نهی و این امر را در تمام ابعاد وجودی و زندگانی خود مراعات نمایی. شدن انسان در قیام و مبارزه است و بس. به بیان امام:

قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمان را به منزل خلّت رسانده و از جلوه های گوناگون عالم طبیعت رهانده ... قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد ... قیام برای خداست که خاتم النبیین (ص) را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد ... و نیز آن ذات مقدس را به مقام قاب قوسین اواداتی رساند. ۲۲

ترك قیام و مبارزه نیز از دید امام - یعنی ترك ضرورت حیاتی انسان - انسان و جامعه را به روز سیاه می کشاند و سلطه جباران و ستمگران را بر انسان و جامعه ممکن می گرداند. فقدان قیام و مبارزه در راه خدا و اعتلای انسانیت، نتیجه ای جز سقوط در «اسفل السافلین» ندارد:

خودخواهی و ترك قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده\* و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده ... ۲۳

سکوت و فقدان مبارزه و قیام، نتیجه ای جز تباهی و انحطاط به بار نمی آورد. سکوت نشانه فقدان ایمان یا به قولی نشانه ضعف ایمان است. سکوت به مفهوم مقابله با یک ضرورت حیاتی یعنی مبارزه و قیام است، این است که در نظر امام خمینی سکوت شدیداً منفور است و مطرود و عامل همه بدبختیهای انسان و جامعه؛ امام در سخنانی در تاریخ ۱۰/۱/۱۳۴۱ هـ. ش خطاب به علما و روحانیون می فرماید:

وای بر این مملکت، وای بر این هیأت حاکمه، وای بر این دنیا، وای بر ما،  
وای بر این علمای ساکت، وای بر این نجف ساکت، این قم ساکت، این تهران

\* نوشته امام خمینی در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۶۳ هـ. ق. دوران انحطاط و تباهی.

ساکت، این مشهد ساکت، این سکوت مرگبار اسباب این می شود که زیر چکمه اسرانیل به دست همین بهائی ها، این مملکت ما، این نوامیس ما پایمال بشود... ۲۴

از نظر امام، اسلام نیز مکتب مبارزه و قرآن کتاب مبارزه و قیام است: اسلام مکتب تحرك است و قرآن کریم کتاب تحرك، تحرك از طبیعت به غیب، تحرك از ماهیت به معنویت، تحرك در راه عدالت، تحرك در برقراری حکومت عدل... ۲۵

### اهمیت و ارزش مبارزه

ارزش و اهمیت و نقش و جایگاه هر امری، تا حد زیادی بستگی به میزان تأثیری دارد که انسان را در راه رسیدن به اهدافش یاری می کند. اگر بالاترین هدف انسان رسیدن به کمال حقیقی او و خروج از حجابها و ظلمتها است و مبارزه، صیروت و شدن انسان در چنین مسیری است، روشن می گردد که مبارزه در زندگی انسان جایگاه و ارزشی والا دارد و این والایی ارزش به خاطر والایی هدف است. به عبارت دیگر، هر چه هدف والاتر و ارزشمندتر باشد، به همان میزان ارزش مبارزه در طریق رسیدن به هدف، ارزشمندتر خواهد بود. حال اگر هدف رسیدن به خدا و فناشدن در او باشد، ارزش مبارزه و قیام بی نهایت می گردد و چه ارزشی از این بالاتر. این است که امام صادق (ع) از زبان رسول خدا (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود:

الْخَيْرُ كَلْفُ السِّيفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السِّيفِ وَ لَا يَقِيمُ النَّاسُ إِلَّا السِّيفَ وَ السِّوْفُ  
مقالید الجنة والنار. ۲۶

تمام خیر و نیکی در قیام و مبارزه و تحت سایه قیام قرار دارد، مردم به راست نیابند (بیدار نشوند) مگر با قیام و مبارزه و مبارزات کلیدهای بهشت و دوزخ هستند.\*

امام امت در همین ارتباط در پیام «فریاد برائت» می فرماید:

به همه مسئولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و

\* در این روایت «سيف» را که به معنای شمشیر است، به قیام و مبارزه ترجمه کرده ایم. زیرا شمشیر سمبل قیام و مبارزه است.

ملاکی مهمتر از «تقوی» و «جهاد در راه خدا» نیست ... ۲۷

و در جای دیگر خطاب به تمام مستضعفان جهان می فرماید:

ای مستضعفین جهان! برخیزید و در مقابل ابرقدرتها بایستید، که اگر ایستادید،

اینها هیچ کاری نمی توانند بکنند. ۲۸

اهمیت این موضوع در اندیشه حضرت امام، به حدی است که آن را تنها موعظهٔ ساحت مقدس حق و خداوند بزرگ می داند و این مسئله را چندبار در طول عمر شریفش مطرح کرده است. امام در این زمینه در یکی از بیانات خود چنین می گوید:

خدای تبارک و تعالی می فرماید فقط یک موعظه من دارم، پیغمبر اکرم واسطه، خدا واعظ، ملت متعظ، من فقط یک موعظه، بیشتر از یک موعظه ندارم، «انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله» اینکه برای خدا قیام کنید ... این یک مطلبی است که برای یک وقت نیست، موعظهٔ خدا همیشگی است ... ۲۹

## ویژگیها و ماهیت مبارزه

برای شناخت حقیقت مبارزه در هر مکتب یا اندیشه ای، باید به ویژگیها و ماهیت آن توجه کرد؛ زیرا بدون شناختن خصوصیات و ماهیت مبارزه، پی بردن به حقیقت آن امری ناممکن است. در مورد اندیشهٔ امام خمینی نیز این گونه است. یعنی برای اینکه ببینیم «مبارزه» در اندیشهٔ او به چه معنایی است و حقیقت آن چیست، باید ویژگیها و ماهیت آن را مورد بررسی قرار دهیم. ما در اینجا به پنج ویژگی اساسی که ماهیت مبارزه را می سازند اشاره می کنیم.

### ۱. دفاعی بودن مبارزه

اصولاً از دیدگاه اسلام ماهیت اساسی مبارزه و جهاد را «دفاع» تشکیل می دهد. در قرآن نیز به این مطلب و اینکه مبارزه و جنگ از چنین دیدگاهی جزء ضرورتهای حیاتی بشر است، تصریح می کند:

«لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض» ۳۰

بر اساس این آیه، امر مبارزه به عنوان «دفاع»، مانع از فساد زمین می گردد و لذا اگر دفع ها و مبارزات صورت نگیرد، امور زمین رو به فساد و انحطاط می رود. استاد شهید

مرتضی مطهری در بیان دفاعی بود جهاد و مبارزه می نویسد :

در این جهت اختلافی میان محققین نیست که ماهیت جهاد، دفاع است ... جهاد فقط به عنوان دفاع و در واقع مبارزه با یک نوع تجاوز است و می تواند شروع باشد. ۳۱

بنابراین از نظر اسلام، هر مبارزه ای فی نفسه و بالذات دفاع است. حال این دفاع گاه از دین و سرزمین، حیات، مال و ناموس و استقلال و ... است و گاه دفاع در راه آزادی و رهایی از یوغ استبداد و ستم و بی عدالتی، و گاه دفاع از حقوق بشریت و مستضعفین و به طور کلی امور انسانی. بنابراین، «انقلاب» نیز دفاع است؛ دفاع از آزادی و حیثیت انسانی. جنگ رهایی بخش نیز دفاع است؛ دفاع از آرمانهای بشری و حقوق بشر و آنچه به بشریت تعلق دارد. هر چند امام خمینی در بعد فقهی میان دفاع با جهاد تفاوت قائل شده است<sup>۳۲</sup> ولی در بعد نظری و اندیشه، مبارزه را دفاع می داند، زیرا در برابر تجاوز قرار می گیرد. البته نه تنها به این معنا که در برابر تجاوزی تحقق پیدا می کند بلکه از این نظر که مبارزه مورد نظر امام، تجاوز نیست و با آن مغایرت دارد، پس دفاع است. بنابراین هر جنگی و تلاشی یا تجاوز است یا دفاع و چون مبارزه مورد نظر امام خمینی تجاوز نیست، قطعاً دفاع است:

ما تحت رهبری پیغمبر اسلام این دو کلمه را می خواهیم اجرا کنیم، نه ظالم باشیم و نه مظلوم ... ما تعدی به هیچ کشوری، به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد و تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد و نباید بکنیم و تجاوز به هیچ کشوری نخواهیم کرد و نباید بکنیم، لکن از تجاوز دیگران هم باید جلوگیری کنیم ...»<sup>۳۳</sup>

در دیدگاه امام امت، انسانها در مبارزه دو حال دارند یا متجاوز هستند یا مدافع، و چون ما متجاوز نیستیم لذا مدافع خواهیم بود. لذا رزم ما، مبارزات ما و قیام ما چون تجاوز نیست، پس دفاع است. در جای دیگر امام می فرماید:

... و ما ایستاده ایم در مقابل دفاع از کشور خودمان و دفاع از الام عزیز در مقابل هر مهاجم. ما واجب است بر ایمان دفاع کنیم از نوامیس اسلام و نوامیس خودمان و دفاع کنیم از کشور اسلامی خودمان و تا مادامی که در حال دفاع هستیم، با هر قدرتی که بخواهد हमمه کند بر ما، مقابله می کنیم و هیچ هراس نداریم.<sup>۳۴</sup>

همچنین به مناسبتی دیگر چنین می گوید:

ما هیچ وقت سر دعوا با کسی نداشتیم، ما برای حفظ اسلام دفاع باید بکنیم،  
برای حفظ مملکت الامی دفاع باید بکنیم. ۳۵

## ۲. کمال و برتری مبارزه

رزم، قیام و مبارزه، نه تنها یک ضرورت حیاتی برای دفاع از فرد و جامعه، بلکه خود یک کمال و امر برتر و والا است. همان گونه که ترك مبارزه یا ترس از رزم خود یک نقص است. آرام نگرفتن تلاش و کوشش و رزم و مبارزه وقتی برای دفع ظلم و ستم، برای دفاع و برای خدا باشد، یک کمال است. این است که خدا در قرآن آن را، «فوز عظیم» دانسته است:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ... ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. ۳۶  
و امام علی (ع) آنرا عزت اسلام می داند: «... عِزًّا لِلْإِسْلَامِ». ۳۷

و یکی از یاران شهید امام، شهید آیت ا... بهشتی در این باره می گوید:  
ما در انقلاب فهمیدیم که رزمیدن یک کمال است و ترسیدن از رزم یک نقص...  
اگر انسان در راه خدا غضب کند و غضبش فی الله و لله باشد، این کمال است.  
اگر انسان در راه دفاع از حقوقش غضبناک و خشمگین شود باز هم کمال  
است... ۳۸

امام امت نه تنها مبارزه و جهاد را یک کمال می داند، بلکه مذهبی که فاقد مبارزه و جنگ و جهاد است از نظر او، ناقص می باشد:

آن مذهبی که جنگ در آن نیست، ناقص است. ۳۹

در وصیتنامه سیاسی - الهی خود نیز رزم جاویدان، این کمال راستین ائمه هدی (ع)  
در برابر ستمگران را مایه افتخار می داند:

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما - صلوات الله و سلامه علیهم - در راه تعالی دین  
اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن  
است، در حبس و تبعید بسر برده و عاقبت در راه براندازی حکومتهای جائر و  
طاغوتیان زمان خود شهید شدند. ۴۰

### ۳. قداست و معنویت مبارزه

از آنجایی که قیام، مبارزه، جهاد و جنگ در اسلام نه تنها به عنوان یک ضرورت حیاتی و دفاعی بلکه به عنوان یک تکلیف و وظیفه الهی و یک عبادت مطرح می گردد، قداست و معنویت خاصی پیدا می کند. جهاد و دفاع در مکتب اسلام امری مقدس و معنوی است. گویا هاله ای از قداست، پاکی و معنویت اطراف مفهوم مبارزه، دفاع، قیام و جهاد را فرا گرفته است. در این مکتب مبارزه راه هدایت و رسیدن به کمال و معنویت و برتری و رستگاری است و لذا خود نیز کمال است و مقدس. امری که باید با قصد قربت و نزدیکی به خدا و برای اجرای فرمان او صورت گیرد. برای نمونه امام امت از جنگ ایران و عراق که یکی از الگوهای بزرگ مبارزه در عصر حیات اوست، به عنوان «جهاد مقدس» یاد می کند:

از ارتش و نیروهایی که در ارتش هست و از پاسداران و از نهادهایی که از مردم غیرنظامی هستند، چه عشایر و چه در شهرستانها که در این جهاد مقدس شرکت کردند تقدیر می کنم... ۴۱

همچنین در وصف مجاهدان و مبارزان فی سبیل الله، رزمندگان طریق حق و معبود بی نیاز و قداست و معنویت و برتری آنها می فرماید:

مجاهد فی سبیل الله بزرگتر از آن است که گوهر زیبای عمل خود را به عیار زخارف دنیا محک بزند... دنیا با همه زرق و برق و اعتباراتش، به مراتب کوچکتر از آن است که بخواید پاداش و ترفیع مجاهدان فی سبیل الله گردد. ۴۲

### ۴. بی مرزی و بی انتهایی مبارزه

دانستیم که قیام و مبارزه یک فعل واحد زمانی نیست، بلکه یک صیوررت و حرکت دائمی و گسترده است و از ازل تا به ابد ادامه دارد. یک روند مستمر و تکاملی است. لذا نمی توان بری آن مرز یا انتهایی تعیین کرد. تمام شدنی نیست، پایانی ندارد. مبارزه صیوررت است و حرکت، و تا انسان هست و تا این جهان هست، مبارزه و تلاش هست و انتها و پایانی برای آن متصور نیست.

از سوی دیگر مبارزه روند رسیدن به کمال است و کمال امری است بی انتها و بی پایان و همین امر مبارزه را امری بی پایان و بی انتها می سازد. چه، زمانی انسان

مبارزه را کنار می نهد که به کمال انقطاع انسانی رسیده باشد و چون رسیدن به درجات کمال درجه ای، مرحله ای ونسبی است لذا نمی توان برای رسیدن به کمال حقیقی و مطلق، نقطه پایانی تصور کرد. لذا برای مبارزه نیز نمی توان نقطه پایانی تعیین نمود. به بیان شهید سید محمد باقر صدر (ره):

زیرا انسان محدود نمی تواند به اتمه که مطلق و نامتناهی است برسد، ولی در راه خود به سوی او، هر چه گامهای بیشتری بردارد، به سوی راهها و افقهای جدیدی راهنمایی می شود... ۴۳

همچنین بر این اساس که مبارزه بین دو مظهر حق و باطل، کفر و توحید و ... انجام می گیرد و اینها تا انتهای این جهان هستند، لذا مبارزه نیز تمام شدنی نیست؛ امام در تبیین این موضوع چنین اظهار می دارد:

جنگ ما، جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما، جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما، جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. ۴۴

و در جای دیگر می فرماید:

ما می گوئیم: تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم. ۴۵

در موردی دیگر با اشاره به آیات قرآن کریم جایگاه با دوام و مستمر مبارزه را بدینسان مطرح می سازد:

قرآن می گوید جنگ، جنگ تارفع فتنه از عالم، یعنی کسانی که تبعیت از قرآن می کنند در نظر داشته باشند که باید تا آنجایی که قدرت دارند، ادامه به نبردشان بدهند تا اینکه فتنه از عالم برداشه شود. ۴۶

### ۵. الهی بودن مبارزه

برجسته ترین بُعد ماهوی مبارزه که ماهیت حقیقی آن را روشن می سازد و بیانگر جوهر و ذات وجودی مبارزه است و بدان و به تمام ویژگیهای دیگر آن معنا و اعتبار می بخشد و ماهیت آن را شکل می دهد، «الهی» بودن مبارزه است. در اسلام و مکتب انبیا، مبارزه دارای ماهیتی مقدس و الهی است. بدین معنا که همه هدفها، شیوه ها،



استراتژیها، تاکتیکها و برخوردها، همه و همه در مبارزه به خداوند ختم می شود. آنچه به مبارزه اصالت می دهد همین ویژگی بنیانی است. این ویژگی در قرآن با الفاظی چون «فی سبیل الله»، «... لله»، «یکون الدین كله لله»، «لیكون كلمة الله هی العلیا» و ... بیان شده است. امام امت این مسئله حیاتی و سرنوشت ساز را تحت عناوین گوناگون - بویژه «قیام برای خدا» از آغاز حرکت خود مدتها قبل از قیام خرداد ۱۳۴۲ - تا پایان عمر بارها مطرح ساخته اند:

خدای تبارک و تعالی می فرماید فقط یک موعظه من دارم ... من فقط یک موعظه، بیشتر از یک موعظه ندارم، «انما اعظکم ...» اینکه برای خدا قیام کنید، وقتی دیدید که دین خدا در معرض خطر است برای خدا قیام کنید ... ۴۷

ایشان در جای جای تفسیر سوره حمد نیز به این مسئله اشاره دارد، حتی آن را چون صاحب کتاب منازل السائرین\* «اولین منزل سلوک» و یا برتر از آن، «مقدمه سلوک» می داند:

... همه چیز و همه مسائل از اینجا شروع می شود که قیام لله باشد. انسان نهضت کند برای خدا، بایستد برای خدا و از این خواب بیدار شود. ۴۸

این موضوع را در بعد عرفانی و در کتاب مصباح الهدایه با زبان عرفانی نیز این سان بیان می کند:

پس در عالم وجود، نه صاحب جمالی است و نه فاعل جمیل تا آنکه به خاطر زیبایی اش یا کار زیباییش مورد ستایش قرار گیرد، مگر همان زیبای مطلق و مؤکد این مطلب کلمه شریفه «لا حول ولا قوة الا بالله است ...» ۴۹

در بیانی دیگر نه تنها دستور به قیام و مبارزه برای خدا می دهد، بلکه پیروزی را در این می داند که قیام لله باشد و این یک تکلیف است؛ خواه پیروزی عملاً تحقق یابد یا نه. مهم این است که قیام برای خدا و برای رضای او و تحقق اهداف الهی باشد و بس، زیرا کار برای خدا شکست ندارد:

قیام کنید برای خدا، نهضت کنید برای خدا، اگر چنانچه نهضت، نهضت الهی باشد، این، پیروزی در آن هست، چه بر حسب ظاهر ما شکست بخوریم باز

\* تألیف عارف ربانی خواجه عبدالله انصاری.

پیروزیم، اگر شکست نخوریم هم پیروزیم، برای اینکه ما برای خدا کار کردیم، وقتی برای خدا چیزی شد، این پیروزی است خودش...<sup>۵۰</sup>  
 قیام لله هیچ خسران ندارد، هیچ ضرری توی آن نیست...  
 قیامی که برای خداست، و نهضتی که براساس معنویت و عقیده است  
 عقب نشینی نخواهد کرد.<sup>۵۱</sup>

امام خمینی با بررسی تاریخ، قیام و نهضت پیامبران الهی اولیا و مؤمنین را قیامی الهی و خداگونه می داند. قیام، مبارزه، جهاد و جنگ آنها همه الهی و برای خدا بود ولی سایر حرکتهای در راه طاغوت و برای طاغوت و جز این دوره، راه دیگری برای هیچ حرکت و مبارزه ای وجود ندارد. لذا جنگها و قیامها به طور کلی براساس چنین معیاری «الهی بودن» دو گونه اند:

جنگها هم جنگ طاغوتی است و هم جنگ نوحیدی، جنگهایی که پیغمبرها و اولیاء و مؤمنین می کردند برای این بود که اشخاص سرکش را از آن سرکشی ها برگردانند و تعدیل کنند، این جنگ، جنگ الهی است و آن جنگهایی که برای احراز مقام است، برای بدست آوردن قدرت است، برای تحمیل بر جامعه ها است، برای جنایتکاری این ابرقدرتها است، این جنگها، جنگهای ابلیسی و طاغوتی است.<sup>۵۲</sup>

امام خمینی با اشاره به جنگهای پیامبر اسلام، حضرت امیر (ع) و قیام امام حسین (ع)، بیان می دارد که وقتی هدف مبارزه خدا و قیام برای او باشد، شکست معنا ندارد؛ هر چند در ظاهر نتیجه برخورد با دشمن شکست ظاهری را به دنبال داشته باشد. زیرا آنچه ارزش قیام، جنگ، جهاد و مبارزه را تعیین می کند «الهی» بودن است نه پیروزی بر دشمن یا شکست از دشمن. بنابراین، اصل «انگیزه و نیت» در قیام است نه نتیجه و پی آمد قیام. از دیدگاه حضرت امام، ماهیت مبارزه را «انگیزه»، «قصد»، «عزم»، «نیت»، «اراده» و «نحوه نگرش» و «باور» می سازد، نه نتیجه، عملکرد یا پی آمد آن. لذا نتیجه عملی یا سودمند بودن در عمل اهمیت ندارد:

پیغمبر (ص) در بعضی از جنگها شکست خورد... حضرت امیر در جنگ با معاویه شکست خورد. حضرت سیدالشهدا را کشتند اما [کشته شدن او] اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود از این جهت هیچ شکستی در کار

نبود، [او] اطاعت کرد. ۵۳

در این اندیشه، مبارزه‌ای که ماهیت الهی دارد و عملی خداگونه است، نه تنها به بقای حیات مادی نمی‌پردازد، بلکه رهایی از این دنیا و رسیدن به شهادت و ایثار در راه خدا را بالاترین آرزو می‌داند. شهادت طلبی در چنین مبارزه‌ای تبدیل به یک آرمان مقدس می‌گردد و مبارز، مشتاقانه بدون اندیشه به بقای خود یا پیروزی ظاهری بر دشمن به استقبال آن می‌شتابد. دلیل این امر نیز روشن است، زیرا در مبارزه‌ای که ماهیت الهی دارد و قیام لله هست، نتیجه را انگیزه و نیت و باور تعیین می‌کند. لذا نتیجه هرچه باشد نیکوست و این تعبیری است که قرآن از آن تحت عنوان «الاحدی الحسنین» - یکی از دو عاقبت و نتیجه نیکو و حسنه - یاد می‌کند:

قُلْ هَلْ تَرَوْنَ مَثَلًا لِّلْاِحْدَى الْحُسَيْنِ ... ۵۴

ای پیامبر - بگو شما جز یکی از دو عاقبت نیکو - فتح یا بهشت - چه می‌توانید بر ما انتظار برید.

در چنین مبارزه‌ای نه تنها یأس، نومیدی، فرار و ... مطرح نیست، بلکه هرچه انسان به تحقق وظیفه و تکلیف خود نزدیکتر می‌شود، اشتیاق و رغبتش افزون می‌گردد، تا آنگاه که در حین نبرد هرچه تنها تر شود، فروخته تر می‌گردد:

می‌بیند که در بعضی روایات هست که حسین بن علی سلام الله علیه هرچه به ظهر عاشورا نزدیکتر می‌شد، فروخته روتر می‌شد، رویش فروخته تر می‌شد. برای اینکه می‌دید که جهاد در راه خداست و برای خداست و چون جهاد برای خداست، عزیزی که از دست می‌دهد، از دست نداده است، اینها ذخایری هستند برای عالم بقا ... ۵۵

در این زمینه حضرت سجاد (ع) می‌فرماید:

چون کار بر حسین بن علی بن ابیطالب دشوار شد، همراهانش به او نگریستند و دریافتند که او برخلاف آنها بر حالی دیگر است، زیرا هرچه کار دشوارتر می‌شد رنگ آنان دگرگون می‌گشت و اندامشان به لرزه می‌افتاد و ترس دلهایشان را فرا می‌گرفت. در حالی که روی اسام حسین (ع) و برخی از کسانی که با او بودند می‌درخشید و اندامشان آرام می‌گرفت و دلهایشان قرار می‌یافت ... ۵۶

این موضوع، الهی و خدایی بودن ماهیت قیام و مبارزه، نه تنها در اندیشه امام

خمینی بلکه در سیره عملی او نیز آشکارا دیده می شود. از همان آغاز حرکت خود در سالهای ۴۱-۱۳۴۰ تا زمانی که از دنیا رحلت نمود، مبارزه برای خدا در سرلوحه اعمال او قرار داشت. بدون آنکه سختیها و مشکلات راه، مبارزطلبی بیگانگان داخلی و خارجی، فاجعه های بعد از پیروزی انقلاب نظیر کردستان، طبرستان، کودتای نوژه، ترور بهترین شخصیت های انقلاب اسلامی، حملات عراق و ... از اراده و عزم او چیزی بکاهد. یکی از یاران امام نقل می کند:

تازه بعد از این همه طی راهها و تحمل مصائب و مشکلات امام می فرماید «ما هنوز اندر خم یک کوچه هم نیستیم و یا ما هنوز در نیمه راهیم» و این است معنای درك اسلام و حرکت و جهاد برای خداوند که انسان در هر لحظه ای از زندگی احساس کند که با یک تکلیف بزرگ الهی روبه رو است، و این راه تا بی نهایت ادامه خواهد داشت ...<sup>۵۷</sup>

بنیان و رکن اساسی اندیشه و سیره امام را مبارزه راه جانان تشکیل می دهد، مبارزه ای وسیع و گسترده، مبارزه ای در درون جان و برون از آن، مبارزه ای الهی و خداگونه، جانان گونه، برای رسیدن به جانان. ماهیت مبارزه را «جانان» یعنی «خدا» تعیین می کند و چنین مبارزه ای تنها با نیستی و فنا شدن حاصل می آید؛ لذا در تحقق چنین مبارزه ای در هر میدانی از میادین وجود، باید پروانه شد بریان شد تا مبارزه به معنای حقیقی گشت. او در اشعار عرفانی این مضمون را چه زیبا بیان می کند:

باید از آفاق وانفس بگذری تا جان شوی	وانگه از جان بگذری تادرخور جانان شوی
طُره کیسوی او در کف نیاید رایگان	باید اندر این طریقت پای و سر چوگان شوی
کی تواند خواند در محراب ابرویش نماز	قرنها باید در این اندیشه سرگردان شوی
در ره خصال لبش لبریز باید جام درد	رنج را افزون کنی، نری پی درمان شوی
در هوای چشم مستش در صف مستان شهر	پای کوبی، دست افشانی و هم پیمان شوی
این ره عشق است و اندر نیستی حاصل شود	بایدت از شوق، پروانه شوی، بریان شوی <sup>۵۸</sup>

## اهداف مبارزه

هر چند ماهیت مبارزه یعنی الهی بودن آن بیانگر اهداف نیز می باشد. زیرا مبارزه الهی طبعاً برترین هدفش «خدا»، «راه خدا» و ارزشهای خداگونه است. ولی این هدف

نهایی (غایی) و هدف کلان مبارزه است لذا در اینجا برای اینکه این هدف به خوبی روشن گردد، به بررسی اهداف خورد و جزئی تر مبارزه می پردازیم. «هدف»، مقصد نهایی یا نقطه والا و برتری است که همه تلاشها و حرکتها برای وصول بدان انجام می گیرد. براین اساس هدف در مبارزه نیز والاترین و برترین مقصد و منظوری است که مبارزه برای وصول به آن صورت می گیرد.

هدف هرچه برتر، والاتر و با عظمت تر باشد، وصول و دستیابی به آن مشکل تر است و راه وصول به آن پر رنج تر - «کدح». برای مبارزه و قیام، رسیدن به خدا و کمالات الهی است یعنی دستیابی به کمال مطلق، نور محض و ابدیت حقیقی که حتی فرشتگان را هم بدان راه نیست؛ این مطلب را سعدی به زبان زیبای شعر این گونه بیان کرده است:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت      نه همین لباس زیباست نشان آدمیت ... ۵۹  
رسد آدمی بجایی که بجز خدا نبیند      بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت ...

روشن شدن اهداف و مبارزه و قیام، مسیرانسان را در صیوروت و رسیدن به آن تعیین می کند ولی مشخص نبودن هدف قیام به بیراهه رفتن است و کشتی که هیچ ساحلی را در پیش ندارد، تنها گرفتار امواج دریا است و لذا جز غرق و نابودی سرنوشتی در انتظارش نیست. بنابراین اهداف مبارزه خواه کلی - رسیدن به خدا - و خواه جزئی باید مشخص و معلوم باشد؛ زیرا هدف است که جهت و رنگ مبارزه را مشخص می کند و چونان موتوری آن را به پیش می زند. اصولاً مبارزه بدون هدف امری محال است و تصور مبارزه و قیام بدون تصور و هدف و مقصد امری ناممکن. این است که امام خمینی برای روشن شدن وضعیت قیام، از نویسندگان و مورخین می خواهد که هدف قیام را روشن کنند:

از شما می خواهیم هرچه می توانید، سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید، چرا که همیشه مورخین، اهداف انقلابها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می کنند. ۶۰

در اینجا به بررسی مهمترین اهداف قیام و مبارزه از دید امام خمینی می پردازیم.

برخی از این اهداف عبارتند از :

۱. توحید و دعوت به خدا

یکی از برترین اهداف قیام و مبارزه، دعوت به خدا، توحید و یگانه پرستی است؛ زیرا این توحید است که بنیان رهایی و آزادی انسان از تمام قیود و بندهای بشری است. توحید است که به ما می آموزد که فقط در برابر یک قدرت، قدرت راستین و مطلق، یعنی قدرت خداوند یکتا تسلیم باشیم و بس و نتیجه چنین تسلیمی، آزادی و رهایی انسان است از بندگی و عبودیت دیگران. امام در این باره می گوید:

... ما از این اصل اعتقادی، اصل «آزادی بشر» را می آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند... و از این اصل ما معتقدیم که قانونگذاری برای پیشرفتها در اختیار خدای تعالی است... بنابراین انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می کنند، قیام کند و خود و جامعه خود را آزادسازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند...<sup>۶۱</sup>

به طور کلی تمام مقاصد پیامبران در وهله اول دعوت به توحید و یگانه پرستی و معرفت خدا و کنار گذاشتن غیر خدا بوده است:

تمام مقصد انبیا برگشتش به یک کلمه است و آن معرفت الله... آن چیزی که انسان را به ضیافتگاه خدا راه می دهد این است که غیر خدا را کنار بگذارد و این برای هر کس میسر نیست.<sup>۶۲</sup>

توصیه اکید امام به یارانش در تمام مراحل قیام، این بود که دعوت به خدا و توحید هدف اساسی مبارزه را تشکیل بدهد و این موضوع در جای جای سخنان و آثار او دیده می شود. برای نمونه:

ما باید دعوت بکنیم و دعوت ما به خود نباشد، دعوت به دنیا نباشد، دعوت به خدا باشد.

مقصد را مقصد الهی کنید، برای خدا قدم بردارید.

اگر انسان برای شہوات نفسانیه قیام بکند و برای خدا نباشد، این به جایی

نمی رسد کارش، این بالاخره فتنل می شود کارش...<sup>۶۳</sup>

مبارزه برای دعوت به خدا و عبودیت و بندگی او سرلوحه و اولین برنامه تمام

پیامبران بوده است :

یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره ۶۴

امام که همهٔ حرکتهای و تلاشهای اهل ایمان را در جهت تحقق توحید و نابودی کفر و شرک می دانند در پیام برائت خود - که فی الواقع برائت از مشرکان را به عنوان یکی از روشهای مبارزه با کفر و شرک می داند - چنین می فرماید :

حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود ... اعلان برائت در حج تجدید میثاق مبارزه و تمرین و تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستی هاست ... اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ماست ... و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همهٔ موجودیت توحید را به خطر انداخته اند ... چه باید کرد؟ ۶۵

## ۲. حفظ و گسترش اسلام و اهداف اسلامی

امام خمینی یکی دیگر از بهترین اهداف مبارزه را حفظ آیین اسلام، اهداف اسلامی و گسترش و توسعه آن در جهان می داند. جلوگیری از بدعتها و حملات مخالفان اسلام، از مهمترین اهداف و وظایف هر مسلمان مبارزی است. این اصلی است که از آغاز حرکت و قیام برای حضرت امام مطرح بوده است و تا پایان عمر نیز بر روی آن تأکید داشت. امام بعد از آزادی از زندان - در سال ۱۳۴۲ - فرمود :

... ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام، آمال و آرزویمان را باید فدا کنیم برای اسلام ... ۶۶

از دیدگاه امام، حفظ اسلام یک تکلیف است و مبارزه برای انجام چنین تکلیفی امری ضروری و قطعی، و لذا امری واجب است :

ما واجب است برایمان دفاع کنیم از نوامیس اسلام و نوامیس خودمان و دفاع کنیم از کشور اسلامی خودمان ... ۶۷

تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را، کشته بشویم تکلیف را عمل کردیم، بکشیم هم تکلیف را عمل کردیم. این همان منطقی است که ما در اوک هم با این رژیم فاسد پهلوی مخالفت می کردیم ... منطقی این بود که برای اسلام مشکلات پیدا شده است، احکام اسلام دارد از بین

می رود، مظاهر اسلام دارد از بین می رود و ما مکلفیم که به واسطه قدرتی که هر چه قدرت داریم مکلفیم که با آنها مقابله کنیم ... الان اسلام به تمام در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پاسداری کنید و حمایت کنید و دفاع کنید...<sup>۶۸</sup>

در جای دیگری می فرماید:

موعظه خدا همیشگی است، هر وقت دیدید که بر ضد اسلام، بر ضد رژیم انسانی اسلامی الهی خواستند که قیام کنند، خواستند وارونه کنند مسائل اسلام را، به اسم اسلام، اسلام را بگویند اینجا لله باید قیام کرد...<sup>۶۹</sup>

### ۳. اجرای اهداف و ارزشهای اسلام

نه تنها مبارزه برای حفظ اسلام، دعوت به اسلام و گسترش آن صورت می گیرد، بلکه اجرا و پیاده کردن اهداف و قوانین اسلامی نیز از ضروریات است و لذا در قیام و مبارزه، پیاده کردن اهداف، قوانین و ایده های اسلامی خود یک هدف متعالی است. در آغاز برای تحقق چنین مهمی باید اسلام را به طور صحیح به جهانیان نشان داد و معارف اسلامی را در بین مردم تقویت کرد:

چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایید، که اگر این چهره، با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده اند، از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی های دوستان خودنمایی نماید اسلام جهانگیر خواهد شد.

معارف اسلامی را در بین مردم تقویت کنید، که رأس امور، این معارف اسلامی است، و اگر او درست بشود، همه کارها درست می شود.<sup>۷۰</sup>

بعد از آشنایی مردم با اسلام و معارف آن، نوبت به اجرای قوانین و احکام رهایی بخش آن می رسد و تنها راه تحقق عدالت و حقیقت در جامعه، تحقق اسلام و اهداف و ارزشهای آن می باشد و این یکی از بهترین اهداف نهضت و قیام امام بوده است. اسلامی بودن مملکت نیز که اساس قیام را تشکیل داده است به معنی اجرای قوانین اسلامی است:

مملکت ما وقتی مملکت اسلامی است که تعالیم اسلام در آن باشد ...

امروز روزی است که اسلام باید تحقق پیدا کند ...

آیین مبارزه در اندیشه حضرت امام خمینی (ره)



ما برای آن نهضت کردیم که اسلام و قوانین اسلام و قرآن و قوانین قرآن در کشور ما حکومت کند. « ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند دنبال اسم نیستیم، که حالا که ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. »<sup>۷۱</sup>

در این بیان یکی از نمونه های برجسته مبارزه، قیام مردم ایران به رهبری امام خمینی می باشد که به تحقق و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انجامید. از دید امام، این قیام برای زنده کردن اسلام و اجرای قوانین اسلامی در جامعه بوده است و همین موضوع باعث بی سابقه بودن چنین حرکتی در تاریخ ایران شده است: ملت ایران امروز، برای همین معنا که اسلام را زنده کند و احکام اسلام را زنده کند قیام کرده است و قیامی کرده است که در تاریخ اسلام، در تاریخ ایران، سابقه ندارد.<sup>۷۲</sup>

ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین المللی اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است، ما می گوئیم تا شرک و کفر هست مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم.<sup>۷۳</sup>

این موضوع را امام امت، سالها قبل در کتاب «البیع» خود در بحث ولایت فقیه به همین صورت مطرح کرده اند و اساس تشکیل حکومت اسلامی را اجرا و پیاده کردن احکام، قوانین، اهداف و ارزشهای دین اسلام و حفظ آن از بدعتها دانسته اند. در کتاب البيع چنین آورده اند:

احکام اسلامی، اعم از قوانین اقتصادی و سیاسی و حقوقی، تا روز قیامت باقی و لازم الاجرا است. هیچیک از احکام الهی نسخ نشده، از بین نرفته است، این بقا و دوام همیشگی احکام، نظامی را ایجاب می کند که اعتبار و سیادت این احکام را تضمین کرده عهده دار اجرای آنها شود...<sup>۷۴</sup>

از دیدگاه امام خمینی، نه تنها اجرای احکام اسلامی در جامعه امری ضروری و قطعی است و وظیفه هرکسی است که برای چنین سنتی قیام کرده و برای برپا داشتن قوانین اسلامی مبارزه کند، بلکه مهمتر از این قوانین و احکام اسلامی خود ملاک و معیار هستند؛ ملاک و معیاری برای رفتار و کردار ما، آئینه ای که ما باید رفتار و کردار خود را در آن ببینیم و الگویی که باید رفتار و کردار خود را - حتی در مبارزه برای اجرای آنها - براساس آن بنا کنیم و این یعنی جدا شدن از هواها و هوسها و پوشش شیطانی و رسیدن

به خدا و خداگونه شدن.

بیرون برویم از این پوشش شیطانی به پوشش رحمانی، آن به این است که ما مطابق نظام اسلام عمل کنیم.

از ما نمی پذیرند که ما اسلامی هستیم، مگر خودمان به اسلام عمل بکنیم. ۷۵

#### ۴ . فدا شدن در راه اسلام

مبارزه صرفاً با هدف حفظ اسلام و اجرای قوانین و مقررات آن کامل نمی شود، بلکه مبارزه زمانی به کمال خود می رسد که هدف آن «فدا شدن برای اسلام» باشد. مسئله ای که آیت ا... شهید سیدمحمدباقر صدر، از آن تحت عنوان «تَضْحِیْه» قربانی شدن یا خود را قربانی کردن یاد کرده است. هدف مبارزه و قیام باید قربانی شدن باشد تا اسلام زنده شود، زیرا اسلام و احکام و قوانین اسلامی بدون «قربانی» تحقق نخواهند یافت. در زبان امام خمینی نیز «فدا شدن» و فدا کردن خود، یکی از اهداف اساسی حفظ و احیای اسلام و قوانین آن بشمار می رود:

ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام؛ آمال و آرزوهایمان را باید فدا کنیم برای اسلام...

امروز غریبترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم. ۷۶

در چنین دیدگاهی رهبران بزرگ اسلام خود اولین قربانیان بودند. آنها خود را قربانی کردند تا اسلام بماند و پرچم اسلام و توحید همچنان در حال اهتزاز باقی باشد. در رأس این قربانیان شخص نبی اکرم (ص) قرار دارد:

پیغمبر بزرگ اسلام، همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز درآورد، و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار، باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار بماند. ۷۷

#### ۵ . احیای هویت اسلامی

منظور از احیای هویت اسلامی، زنده کردن شخصیت و هویت امت اسلامی در برابر سایر ملل و امتهای در جهان معاصر می باشد. این موضوع بویژه در برابر غرب و

شرق مطرح می‌گردد. از اولین کسانی که در این راستا تلاش شایانی کردند، سیدجمال‌الدین اسدآبادی است. از این «احیای هویت» گاه تحت عنوان «بازگشت به خویشتن» یاد شده است. امام در مورد ضرورت احیای هویت اسلامی می‌فرماید:

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیل هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب‌قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد.<sup>۷۸</sup>

همچنین در وصیتنامه سیاسی-الهی خود با اشاره به جایگاه اسلام و انقلاب اسلامی ایران به عنوان عامل اصلی تفاهم ملل-اسلامی و احیای شخصیت اسلامی آنها چنین می‌نویسد:

... و امید است که پرتو نور آن [انقلاب اسلامی] بر تمام کشورهای اسلامی نایلند گرفته و تمام دولتها و ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابرقدرتهای عالم خوار و جنتیکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند...<sup>۷۹</sup>

یکی از راههای اساسی بازگشت به خویش و احیای هویت اسلامی برای ملل مسلمان، روی آوردن به قرآن، این کتاب انسان‌سازی و این سفره گسترده در شرق و غرب عالم است:

آنچه مهم است این است که مسلمین به اسلام و قرآن عمل کنند، اسلام همه مسائلی را که مربوط به زندگی بشر در دنیا و آخرت است و آنچه را که مربوط به رشد و تربیت انسان و ارزش انسان است، داراست.<sup>۸۰</sup>

براین اساس جوامع اسلامی که امروزه هویت اسلامی خود را از دست داده‌اند و اسیر دست یغماگران و ستمگران غربی و شرقی شده‌اند باید بدانند که علت این امر قبل از هر چیز در دوری و جدایی آنها از قرآن بوده است:

... مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته‌اند و تحت

لوائی دیگران درآمده‌اند.<sup>۸۱</sup>

در اندیشه و سیره امام، ظلم و ستم امری نکوهیده و نارواست و لذا باید مبارزه‌ای وسیع و دامنه‌دار برای مقابله با تمام ابعاد ظلم و ستم در جامعه صورت گیرد. اساس و بنیان نهضت پیامبران را نیز همین امر تشکیل می‌دهد. پیامبران علاوه بر دعوت به توحید و یگانه پرستی دومین هدف اساسی خود را مبارزه با ظلم و ستم و قیام برای تحقق عدالت در جامعه قرار داده‌اند:

نبوت اصلاً آمده است و نبی مبعوث است برای اینکه قدرتمندهایی که به مردم ظلم می‌کنند، پایه‌های ظلم آنها را بشکنند و این کنگره‌های ظلم که با زحمت این بیچاره‌ها، به خون دل این بیچاره‌ها، به استنثار گرفتن این مردم ضعیف، این پایه‌های قصر به بالا رفته، کنگره‌هایش [را بشکنند].<sup>۸۲</sup>

از دیدگاه امام، ظلم رواداشتن و مظلوم واقع شدن ناپسند است و این همان چیزی است که در اسلام مطرح شده است و قرآن بدان تصریح دارد:

ملت اسلام، پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه لا تَظْلَمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ.<sup>۸۳</sup>

بنابراین حمایت از مظلومان تاریخ نیز جزو وظایف بنیادی ماست - یعنی نه تنها باید ظالم و مظلوم نباشیم بلکه در ارتباط با ظلم و وظیفه‌سومی هم پیدا می‌کنیم و آن اینکه از مظلومان حمایت کنیم و آنها را از چنگال ظالمان وارهانیم. بنابراین در اندیشه امام در ارتباط با ظلم، سه وظیفه مطرح می‌شود:

۱. ظلم نکردن و ظالم نبودن و به ستمگر و ظالم یاری نرساندن.
۲. مورد ظلم و ستم واقع نشدن و مظلوم نبودن.
۳. به یاری مظلومان شتافتن و در برابر ظالم قیام کردن.

ما طرفدار مظلوم هستیم. هر کس در هر قطبی که مظلوم باشد ما طرفدار آنها هستیم...<sup>۸۴</sup>

از دید امام، فلسفه و ریشه وجود ظلم در هر دو بعدش (ظلم کردن و مظلوم واقع شدن) ناشی از عدم تزکیه است که به انسان یا حالت انفعالی می‌دهد که تحت ظلم در می‌آید یا ظالم می‌گردد و دیگران را شاید زیر یوغ خود می‌کشد و راه علاج هر دو نیز تزکیه و تهذیب و خودسازی است.

زیر بار ظلم رفتن مثل ظالم و ظلم کردن، هر دوی از ناحیه عدم تزکیه است...

تزکیه، ذکر اسم الله و صلوة، اینها مراتبی است، اگر ما به این رسیده بودیم نه حال  
انفعالی پیدا می کردیم برای پذیرش ظلم و نه ظالم بودیم ...<sup>۸۵</sup>

این در حالی است که «عدل» و «عدالت» امری پسندیده و انسانی است و صراط  
مستقیم حق و ضرورت دارد قیام در راه برپایی عدالت و حق و حقیقت صورت گیرد،  
زیرا خارج شدن از عدالت و اعتدال انحراف از حق و حقیقت است و امری ناروا. به  
بیان امام خمینی:

به جهانیان بگویید، در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان،  
زمانی باید سر از پا شناخت، و از هر چیزی حتی مثل «اسماعیل ذبیح الله» گذشت  
که حق جاودانه شود ...

خروج از اعتدال و عدالت الهی و صراط مستقیم، انحراف است و اجتناب از آن  
وظیفه ای الهی است.<sup>۸۶</sup>

براین اساس یکی از مهمترین وظایف انبیا و اولیای الهی قیام برای برپایی قسط و  
عدل در جامعه بوده است:

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند ... که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه  
باید اصلاح بشود، «لیقوم الناس بالقسط» باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه  
تحقق پیدا بکند.<sup>۸۷</sup>

زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب سلام الله علیه، زندگی همه انبیاء  
علام، همه انبیا از اوّل، از آدم تا حالا همه شان این معنا بوده است که در مقابل  
جور، حکومت عدل را می خواستند درست کنند.

سیدالشهدا سلام الله علیه از همان روز اوّل که قیام کردند، برای این امر،  
انگیزه شان اقامه عدل بود، فرمودند که می بینید که معروف عمل بهش نمی شود و  
منکر بهش عمل می شود...<sup>۸۸</sup>

## ۷. آزادی انرژی متراکم جهان اسلام و صدور ارزشهای اسلامی

یکی دیگر از اهداف عظیم مبارزه و جهاد و قیام در راه خدا، آزادسازی انرژی  
متراکم جهان اسلام و گسترش ارزشهای اسلامی به سراسر جهان می باشد. امام نیز در  
بیان این مهم در پیام برائت فرمود:

ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. ۸۹

در جایی دیگر از همین پیام می گوید:

... و ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با متمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می دهیم و مسلماً حصول صدور این تجربه ها جز شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت های دریند نیست. ۹۰

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم. ۹۱

## ۸ . وحدت جهان اسلام

مسئله وحدت جهان اسلام که در قرون جدید توسط سید جمال الدین اسدآبادی تحت عنوان اتحاد اسلام مطرح گردید، در اندیشه حضرت امام تحت عناوین متعددی چون «وحدت اسلامی»، «وحدت کلمه» و ... بیان شده است. وحدت نه تنها خود هدف مبارزه است، بلکه راه رسیدن مبارزه به پیروزی نیز می باشد؛ یعنی خود هم وسیله است و هم هدف. از سویی مبارزه را عملی می کند و به مقصد می رساند و از دیگر سوی خود هدف مبارزه قرار می گیرد:

مسلمین باید بد واحد باشند بر ضد همه متمگران ...

اصولاً دعوت به اسلام، دعوت به وحدت است ...

تا آن وقت که «یک» هستی این «یک» را کسی نمی تواند بشکند ...

از امور مهمه ای که بر همه ما واجب است دفاع از اسلام، دفاع از جمهوری

اسلامی است و آن بستگی دارد به وحدت ... ۹۲

در مقابل وحدت، تفرقه قرار دارد که نه تنها عامل شکست و مغایر با مبارزه و قیام در راه خداست، بلکه یک امر شیطانی و برخاسته از شیطان است:

تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است.

عزیزان من از اختلاف که الهام ابلیس است اجتناب نمایید. ۹۳

## ۹. رفع فتنه از عالم

یکی از مهمترین اهداف مبارزه و قیام، از بین بردن و رفع فتنه و فساد از سرتاسر کرهٔ خاکی می باشد و این یک امر قرآنی و اسلامی است که در قرآن نیز مطرح شده است:

وقاتلوهم حتی لا تكون فتنه ۹۴

امام امت بر همین اساس شعار معروف ذیل را عنوان کرد:

قرآن می گوید جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم. ۹۵

## ۱۰. مبارزه با زراندوزی و رفاه طلبی

یکی از اموری که در اندیشهٔ سیاسی حضرت امام جایگاه عملی یافته است و به عنوان یکی از اهداف قیام و مبارزه مطرح می باشد، مسئلهٔ زراندوزی، رفاه طلبی، دنیاپرستی و توجه زیاد به مظاهر دنیا است. امام در وصیتنامهٔ سیاسی-الهی خود در این زمینه چنین نگاه داشته اند:

یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است آن است که اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کنندهٔ توده های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می کند و مخالف عدالت اجتماعی می داند. ۹۶

در همین زمینه حضرت امام به طرح مسئلهٔ «کوخ نشینان» در برابر «کاخ نشینان» می پردازند و در اهمیت گروه اول در مقابل گروه دوم می گوید:

یک موی سر این کوخ نشینان و شهید دادگان به همهٔ کاخها و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد. ۹۷

و در پیام برائت خطاب به حجاج چنین می گوید:

فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهی دستی گرسنگان و محرومان و پابرهنه های است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را زراندوزان و دزدان بین المللی به یغما برده اند. ۹۸

و در همین پیام می افزایند:

من به تمام جهان با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست. ۹۹

۱۱. شکستن حصارهای جهل، نادانی و خرافات  
یکی دیگر از اهداف والای مبارزه و قیام در راه خدا، از بین بردن جهل، نادانی، ناآگاهی، خرافات و رسوم غلط جامعه می باشد. در مقابل آگاه کردن مردم و بالابردن بینش علمی و فرهنگی آنان از اهداف چنین مبارزه ای است:

هر کس جهلش بیشتر و عقلش ناقصتر است، کبرش بیشتر است. هر کس علمش بیشتر و روحش بزرگتر و صدرش منشرحتر است، متواضعتر است. ۱۰۰  
و در جای دیگر - به عنوان یک وظیفه و تکلیف مبارزاتی - می فرماید:  
ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی (ص) برسیم و امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است... ۱۰۱

## ۱۲ - خودسازی و تهذیب نفس

در بعد درونی، مهمترین هدف قیام و مبارزه، تهذیب، تزکیه نفس و خودسازی است. یعنی همان چیزی که در اسلام از آن تحت عنوان «جهاد اکبر» یاد می شود. این موضوع در بسیاری از رساله های عرفانی حضرت امام نظیر «ولایت فقیه»، «جهاد اکبر»، «سرالصلوة»، «مصباح الهدایة»، «چهل حدیث»، «دیوان اشعار»، «وصیتنامه»، «آداب الصلوة» و ... مفصل مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. بعلاوه شیوه زندگی حضرت امام نیز بیانگر تلاش بی شائبه او در راه سیر و سلوک عرفانی و تزکیه و تهذیب نفس می باشد.

... ماعاشقان زقله کوه هدایتیم  
روح الامین به سوره پی جستجوی ماست  
گلشن کنید میکده رای ای قلندران  
طیر بهشت می زده در گفتگوی ماست  
ای پردگی که جلوه ات از عرش بگذرد  
مهر رخت عجبین به بِن موی موی ماست ۱۰۲



از دیدگاه حضرت امام تزکیه و خودسازی نیز هم مبارزه است و هم هدف مبارزه: علم و تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند.

باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید. ۱۰۳

### شرایط قیام و مبارزه در راه خدا

در پایان این بحث به اختصار اشاره به برخی از شرایط و ویژگیهای قیام و مبارزه در راه و مبارزان راه خدا می‌نماییم. از دیدگاه حضرت امام برخی از بهترین شرایط و لوازم برای ورود به مبارزه و قیام در راه خدا عبارتند از:

۱. ایمان به خدا و توسل به حبل ولایت خدا و معصومین (ع).
۲. وحدت کلمه، اتحاد و همدلی و یکرنگی.
۳. استقامت و پایداری در مبارزه تا رسیدن به اهداف آن.
۴. اعتماد و اطمینان به نفس، به عنوان امید برای رسیدن به پیروزی.
۵. تزکیه و تهذیب نفس و خودسازی.
۶. دارا بودن تقوا و اخلاق فاضله.
۷. اخلاص در نیت و عمل، در باطن و آشکار.
۸. تواضع و فروتنی، خضوع و خشوع، رحمت و محبت.
۹. قناعت و ساده‌زیستی.
۱۰. صبر و استقامت و ...

### پانویسها

۱. قرآن کریم، سوره انشقاق، آیه ۶.
۲. المدرسة القرآنية، سید محمد باقر صدر، بیروت دارالتعارف للمطبوعات، بی تا، ص ۱۷۹.
۳. همان ص ۱۸۰، تفسیر موضوعی سنتهای تاریخ در قرآن، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ بی تا، جلد اول؛ ص ۲۳۰.
۴. امام خمینی و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، محمد واعظ زاده خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی ۱۳۵۷، ص ۱۳۴.
۵. شمع جمع، شرح و تفسیری بر بخشی از غزلیات حضرت امام خمینی، محسن بینا، تهران: اطلاعات، چاپ

- پنجم، ۱۳۷۴، ص ۴۵.
۶. روزنامه همشهری، ۱۳ خرداد ۱۳۷۲، ش ۱۲۷، ویژه نامه سالگرد ارتحال حضرت امام، ص ۵.
۷. با قرآن در صحته، تفسیری بر سوره حمد و علق، امام خمینی، تهران: البرز، چاپ اول خرداد ۱۳۵۹، ص ۳۹.
۸. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۱، جلد اول، ص ۳.
۹. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، چاپ جدید (۱۴ جلدی)، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۴-۱۷۷۳۳.
۱۰. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، امام خمینی، تهران: هدی، بی تا، ص ۵۷.
۱۱. آیین انقلاب اسلامی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۴، صص ۴۳۱، صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۹۴.
۱۲. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر. صص ۳۰-۳۲ و نیز، مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة، ترجمه سیداحمد فهری، تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۰، صص ۷۰-۶۹ و ۲۱۰-۲۰۵.
۱۳. قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۷۲.
۱۴. الاسلام یقود الحیة، سیدمحمدباقر صدر، طهران: وزارة الارشاد الاسلامیة، بی تا، صص ۱۴۲-۱۴۱ و نیز خلافت انسان و گواهی پیامبران. ترجمه سیدجمال موسوی، تهران: روزبه، ۱۳۵۹، صص ۱۸-۱۷.
۱۵. کلمات قصار، پندها و حکمت ها، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۴، ص ۵۰.
۱۶. صحیفه نور، جلد ۱ صص ۲۵۷-۲۵۶.
۱۷. ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، امام خمینی، صص ۱۷۹-۱۵۱.
۱۸. صحیفه نور، چاپ جدید، ۱۳۷۴، جلد ۱، ص ۱۲۰.
۱۹. کلمات قصار، پندها و حکمت ها، ص ۱۹۳.
۲۰. گلستان، مصلح الدین سعدی شیرازی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه، بی تا، ص ۴.
۲۱. نهج الفصاحة، سخنان پیامبر اسلام (ص)، ترجمه ابوالقاسم پابنده،
- ۲۲ و ۲۳. صحیفه نور، چاپ اول، جلد اول ص ۳ و چاپ دوم (با تجدید نظر)، جلد اول ص ۲۴.
۲۴. صحیفه نور، چاپ اول، جلد اول، ص ۱۲، (۱۳۴۱/۱/۱۰).
۲۵. صحیفه نور، چاپ جدید، جلد چهارم، ص ۵۲۰ (۱۳۵۸/۴/۵).
۲۶. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، به تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ ق، جلد ۱۱، ص ۵.
۲۷. صحیفه نور، جلد ۲۰، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۲۳ و نیز فریاد براهت، امام خمینی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، صص ۲۳-۲۲.
۲۸. کلمات قصار، ص ۹۳.
۲۹. آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۳۴، صحیفه نور، جلد ۷، چاپ اول، ص ۳۷ (تاریخ ۵۸/۳/۱۰)، امام این مسئله را در اولین سند تاریخی خود ۱۱ جمادی الاول ۱۳۶۳ ق. و نیز در تفسیر سوره حمد آورده است.
۳۰. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۵۱.
۳۱. جهاد، مرتضی مطهری، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ص ۲۹.
۳۲. ر. ک. به تحریر الوسیله، امام خمینی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، و نیز، نجف اشرف: مطبوعه الادب، ۱۳۹۰ ه. ق. جلد اول، صص ۳۸۷-۴۸۵، توضیح المسائل (فارسی)، چاپهای متعدد، مسائل ۳۷-۲۶۲۸، کشف اسرار، قم: انتشارات آزادی، بی تا، صص ۴۶-۴۵ و ۲۴۴، جنگ و جهاد (از مجموعه در جستجوی راه از کلام امام، دفتر دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱، صص ۱۷-۱۲).

\* از این شماره به بعد، هر جا که فقط صحیفه نور آمده است و چاپ آن ذکر نشده، منظور چاپ اول (تجدید نظر نشده) می باشد. ولی مواردی که چاپ دوم ذکر شده منظور چاپ (تجدید نظر شده) می باشد.

۳۳. صه فیه نور، جلد ۱۴، صص ۶۷-۶۶ و نیز آیین انقلاب اسلامی، همان، ص ۴۲۱.
۳۴. صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۲۳۱، آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۴۵.
۳۵. صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۱۰۲، آیین انقلاب اسلامی، صص ۶-۴۴۵.
۳۶. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۱۰.
۳۷. نهج البلاغه، امام علی (ع)، ترجمه و شرح فیض الاسلام، چاپهای متعدد، حکمت شماره ۲۴۴.
۳۸. بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم و امامت، سیدمحمدحسینی بهشتی، تهران: حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۴۸.
۳۹. کلمات قصار، ص ۱۶۲.
۴۰. آخرین پیام (وصیتنامه سیاسی- الهی)، امام خمینی، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۶۹، ص ۹.
۴۱. امام و جنگ و شهادت، گردآوری: منوچهر وکیلیان، تهران: یاسر، ۱۳۶۲، ص ۵۵.
۴۲. کلمات قصار، ص ۶۳.
۴۳. منابع القدره فی الدولة الاسلامیة، سیدمحمدباقر صدر، طهران: جهادالبنا، بی تا، ص ۹.
۴۴. آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۲۱، صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۹۴ (۶۷/۱۲/۳).
۴۵. کلمات قصار، ص ۱۶۱.
۴۶. اندیشه های امام خمینی، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین المللی اندیشه اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، جلد اول، ص ۱۷۸، (سخنان امام در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۲۱).
۴۷. صحیفه نور، جلد ۷، ص ۳۷، آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۳۴ و....
۴۸. با قرآن در صحنه، امام خمینی، ص ۳۹.
۴۹. مصباح الهدایة، الی الخلافة والولاية، امام خمینی، ص ۱۸۵.
۵۰. صحیفه نور، جلد ۵، ص ۶۱، آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۴۱.
۵۱. کلمات قصار، ص ۵، ص ۹۰.
۵۲. رساله نون امام خمینی، ۴- مسائل سیاسی و حقوقی، ترجمه و شرح عبدالکریم بی آزار شیرازی. تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۰، ص ۱۷۲ (امام خمینی ۱۳۵۹/۶/۹).
۵۳. قیام عاشورا، تبیان، دفتر سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۵۷، ص ۴۲، صحیفه نور، ج ۸، ص ۷۱ (۱۳۶۰/۴/۱۰).
۵۴. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۵۲.
۵۵. قیام عاشورا، صص ۴۴-۴۳، صحیفه نور، جلد ۱۲، صص ۲۴۰-۲۳۹.
۵۶. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، ۱۱۰ جلدی، جلد ۴۴، ص ۲۹۷، ابو جعفر شیخ صدوق، معانی الاخبار، به تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱، صص ۲۸۹-۲۸۸، باب معنی موت.
۵۷. سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، جمعی از فضلا، جلد ۲، تنظیم؛ مصطفی وجدانی، تهران: پیام آزادی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۴، صص ۱۱۳-۱۱۲.
۵۸. دیوان امام، سروده های حضرت امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۷۴، ص ۱۸۵.
۵۹. کلیات، سعدی.
۶۰. اندیشه های امام خمینی، ص ۱۸۳، (نیز: ۶۷/۱۰/۲۵).
۶۱. آیین انقلاب اسلامی، صص ۱-۲، صحیفه نور، جلد ۴، ص ۱۶۷-۱۶۶ رساله نون، جلد ۴، صص ۵۲-۵۱.
۶۲. کلمات قصار، ص ۱۷.
۶۳. همان، ص ۱۹.
۶۴. قرآن کریم، سوره اعراف، آیات ۵۹، ۷۳، ۸۵.
۶۵. فریاد براءت، امام خمینی، صص ۱۱-۹.
۶۶. صحیفه نور، چاپ جدید، جلد ۱، ص ۱۱۷.
۶۷. آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۴۵ صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۲۳۱.

۶۸. آیین انقلاب اسلامی. ص ۴۴۵، صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۱۰۹.
۶۹. صحیفه نور، جلد ۷، ص ۳۷، آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۳۴.
۷۰. کلمات قصار، ص ۳۳.
۷۱. کلمات قصار، همان، صص ۳۷-۳۵.
۷۲. آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۳۲.
۷۳. اندیشه های امام خمینی، ص ۱۸۴.
۷۴. شوژن و اختیارات ولی فقیه (از کتاب البیع)، امام خمینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۲۳.
۷۵. کلمات قصار، صص ۳۹-۳۸.
۷۶. کلمات قصار، ص ۴۰.
۷۷. کلمات قصار، صص ۴۱-۴۰.
۷۸. اندیشه های امام خمینی، ص ۱۸۵.
۷۹. وصیت نامه سیاسی-الهی، امام خمینی، همان، ص ۱۵.
۸۰. کلمات قصار، ص ۴۳.
۸۱. کلمات قصار، ص ۴۴.
۸۲. صحیفه نور، جلد ۲، ص ۲۱۴، آیین انقلاب اسلامی، صص ۳۹۰-۳۸۹. کلمات قصار، ص ۹۴.
۸۳. صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۶۶، آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۹۰، آیه در: قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۷۹، نه ستم کنید و نه مورد ستم قرار گیرید، کلمات قصار، ص ۹۴.
۸۴. صحیفه نور، جلد ۴، ص ۳، آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۹۱؛ مصاحبه های امام خمینی، تهران: انتشارات سعید، بی تا، مصاحبه امام با خبرنگار امریکایی ۱۳۵۷/۹/۱۰.
۸۵. صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۹، آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۹۱.
۸۶. کلمات قصار، ص ۲۱۹.
۸۷. قیام عاشورا، ص ۳۷، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴۹-۱۴۸.
۸۸. قیام عاشورا، ص ۳۸، صحیفه نور، جلد ۲۰، صص ۱۹۱-۱۸۹.
۸۹. اندیشه های امام خمینی، ص ۱۸۷.
۹۰. صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۱۸ و آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۱۱.
۹۱. صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۲۶۶، آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۱۳.
۹۲. کلمات قصار، صص ۱۰۷-۱۰۵.
۹۳. کلمات قصار، ص ۱۰۹.
۹۴. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۹۲.
۹۵. اندیشه های امام خمینی، همان، ص ۱۸۸.
۹۶. وصیت نامه سیاسی-الهی، ص ۵۲.
۹۷. کلمات قصار، ص ۲۲۲.
۹۸. فریاد برائت، ص ۱۳.
۹۹. فریاد برائت، ص ۲۲، صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۱۸.
۱۰۰. کلمات قصار، ص ۸۱.
۱۰۱. اندیشه های امام، ص ۱۸۶.
۱۰۲. دیوان امام خمینی، ص ۵۶.
۱۰۳. کلمات قصار، ص ۶۶.